

عنوان مقاله:

چرایی طلاق عاطفی زنان خانه دار: یک مطالعه کیفی پدیدار شناسی

محل انتشار:

پنجمین کنفرانس بین المللی مدیریت، روانشناسی و علوم اجتماعی (سال: 1403)

تعداد صفحات اصل مقاله: 10

نویسنده:

سیدمحسن حسینی - کارشناس روانشناسی و دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی دانشگاه آزاد اسلامی واحد آشتیان

خلاصه مقاله:

زیربنایی ترین بعد در شکل گیری هر پدیده ای معانی ذهنی است. معنایی که هر فردی که دچار طلاق عاطفی است بعدی مهم در ساختار این پدیده است. در این راستا هدف از این پژوهش مطالعه کیفی چرایی طلاق عاطفی در بین زنان خانه دار، از دیدگاه فرد مطلقه عاطفی است. روش کار: از میان روش های پژوهش کیفی روش پدیدار شناختی برای انجام پژوهش بکار رفته است ۲۵ نفر (زن خانه دار) به وسیله نمونه گیری هدفمند و با استراتژی نمونه گیری معیار انتخاب شدند تا اشباع داده ها، محاصبه ها ادامه یافت. برای گردآوری داده ها از مصاحبه نیمه ساختار یافته (مصاحبه منظم) استفاده شده است. همچنین، برای تحلیل دیدگاه شرکت کنندگان از روش تحلیل مضمون استفاده شده است. یافته های پژوهش شامل مضمون اصلی پیامدهای اجتماعی طلاق عاطفی و چرایی طلاق عاطفی زنان خانه دار بوده است؛ مضمون پیامدهای اجتماعی طلاق عاطفی به دو خرده مضمون خیانت، مسئولیت پذیری تقسیم شد و چرایی طلاق عاطفی زنان خانه دار به چهار خرده مضمون عدم حمایت مالی، بددینی و زورگویی همسر، عدم حمایت عاطفی، تنفر از همسر پرداخته شده است؛ زنان خانه دارای تجربه ای یکسان در زمینه معنای طلاق عاطفی بودند اما در چگونگی تجربه آنها تفاوت هایی وجود داشت. نتیجه گیری: در این پژوهش به این نتیجه رسیدیم که ناتوانی زنان خانه دار در رفع نیازهای مالی خود و وابستگی مالی به همسر منجر به از دست دادن استقلال و گاهی عزت نفس این زنان می شود که عدم حمایت مالی زن توسط شوهر باعث دل زدگی او می شود هنگامی که این امر با عدم حمایت عاطفی همراه شود زمینه را برای طلاق عاطفی به مقدار زیادی آماده می کند.

کلمات کلیدی:

طلاق عاطفی، زنان خانه دار، فرد مطلقه، کیفی، پدیدارشناسی، آسیب اجتماعی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/2095451>

